براندازی اقتصادی

ثمین سلیمانی‌نژاد

راه راه ۳۴۸

زینب‌سادات جزایری

چند صفر کمتر

چند روز پیش از شبکه تماس گرفتند که قرار است برای راهپیمایی ۲۲ بهمن به ایران اعزام شوم اما پیش از اعزام باید در جلسه فوق‌العاده توسط سردبیر توجیه شوم.

سردبیر نیم ساعت صحبت کرد و گفت: نکند ساندیس‌شان را بخوری که نمک‌گیر می‌شوی و آن وقت باید گزارشت مطابق مذاق آنها باشد. تو خبرنگاری و حقیقت خط قرمز توست! البته منظورش حقیقتی بود که شبکه بپسندد و منافع آمریکا به خطر نیفتد.

گزارشم را بعد از اینکه نزدیک بود زیر دست و پا له شوم در مسیر نوشتم و برای سردبیر ارسال کردم: در این چند سال که در حوزه خبرنگاری مشغولم همیشه تجمعات ایران برایم رازآلود و مبهم بود. نمی‌دانستم این تصاویر آرشیو سال‌های قبل است یا درخت اما وقتی آمدم تازه حقیقت دستگیرم شد، هوش مصنوعی بود. بعد با خودم فکر کردم که هوش مصنوعی هنوز به فضای حقیقی راه پیدا نکرده! آن موقع بود که فهمیدم این افراد را از لبنان و یمن وارد کرده‌اند اگرنه مردم ایران که غالباً سلطنت‌طلب هستند.

از شب ۲۲ بهمن دلم شور افتاده بود. فردا کار مهمی به عهده‌ام بود و من دل نگران بودم. وقتی به میدان آزادی رفتم تقریبا هیچ‌کس برای راهپیمایی نیامده بود. حتی تا ساعت ۵ صبح هم صبر کردم و فهمیدم که ۴۰ سال است جمهوری اسلامی آمار غلط به مردم می‌دهد اگرنه باید کسی تا آن ساعت به تجمع می‌آمد؛ پس فقط شبکه ما در حقایق دست نمی‌برد!

حوالی ۸ صبح داشت چشم‌هایم گرم می‌شد که آمدن مردم و صدای شعارهای‌شان خواب از سرم پراند. امان از آدم بی‌موقع!

پیرزن و پیرمرد و زن و بچه هم آمده بودند. این که آدم صبح روز تعطیل زابرا شود و با زن و بچه توی این سرما بیاید باید یک دلیلی داشته باشد؛ فکر کنم به خاطر موکب‌های خوراکی باشد اگرنه کدام آدمی در این گرانی پای عقاید و آرمان می‌ایستد؟ با خودم گفتم یادم باشد حتما برای تجمع مونیخ پیشنهاد خوراکی بدهم تا مردم گرسنه به راهپیمایی نروند و توان شعار داشته باشند. البته اینکه در یک کشور دیگر تجمع برگزار شود تا نظام یک کشور دیگر ساقط شود با عقل من جور درنمی‌آمد تا اینکه فهمیدم هم‌خون بودن آلمانی‌ها و ایرانی‌ها و ریشه آریایی‌شان نمی‌تواند بی‌تاثیر باشد.

یک‌باره دیدم از جایی دود بلند می‌شود. فکر کردم پرچم آمریکا و اسرائیل است اما دیدم مجسمه بعل را به آتش کشیده‌اند. با خودم فکر کردم حالا دیگر ترامپ چه کسی را بپرستد؟

حوالی ظهر شده بود و از زمین آدم می‌جوشید. گفتم حتما آن تکنیک میرباقری در مختار را پیاده کرده‌اند اگرنه این همه آدم چطور توی این خیابان‌ها جا شده‌اند؟

فکر کردم اگر زن‌ها را به راهپیمایی راه نمی‌دادند چقدر خوب می‌شد. جمعیت بدون زن و بچه‌ها کمتر از نصف می‌شد و آن وقت این همه زن در این گرما ظلم راه رفتن را تحمل نمی‌کردند. واقعا باید همه مردهای ایران به خاطر ظلم به زنان تحریم شوند؛ حتی اگر از قبل تحریم شده‌اند باید مجدد تحریم شوند و گروسی ابراز نگرانی شدید کند.

خلاقیت مردم در پلاکارد و پوستر ستودنی بود. کاش این افراد برای انقلاب ۱۴۰۱ ایران با ما همراهی می‌کردند. ترامپ و نتانیاهو در همه عکس‌ها و پوسترها غصه‌دار و بدبخت بودند.

مردم جوری در دفاع از هسته‌ای و موشک شعار می‌دادند انگار همه‌شان یا اورانیوم غنی کرده‌اند یا متخصص هوافضا هستند، چه معنی دارد آنقدر آدم به نظر مردم بها بدهد؟

در آخر گزارشم مجدد نوشتم که جمهوری اسلامی با هوش مصنوعی و آرشیو سال‌های بعد از انقلاب و واردات نیروی انقلابی یمنی، عراقی و لبنانی سعی در حفظ نظام متزلزل خود دارد. البته ما هم برای دادن آمار صحیح به مخاطب معمولا آمار اعلام شده رژیم را چند صفر کمتر به مردم می‌گوییم، آخر صداقت برای ما حرف اول را می‌زند.

گوی خیطوت

فرزانه فولادی

یک هدیه کوچک برای دونالد

جناب ولادیمیر

هلو؛ هاو آر یو؟ با اینکه نمی‌خواستم مصدع اوقات روسی شما شوم ولی دیدم مزاحم شما شوم بهتر است تا به این ایرانی‌های مغرور، خشن ولی بی‌اعتنا رو بیندازم.

شنیده‌ام که شما گاهی با ایشان مراوداتی دارید و به تازگی ماهواره‌های‌شان را برای‌شان هوا کرده‌اید، گفتم مشکلم را با شما در میان بگذارم.

چند روز دیگر روز جهانی مرد است و من می‌خواستم چشم همه مردان عالم کور، برای دونالد جانم کادویی بخرم. دیگر جوراب‌های چینی و زیرپوش‌های هندی و زیرشلواری‌های راه‌راه از پوست گورخرهای آفریقایی و پوزبندهای قبرسی تکراری شده و شنیدم که دونالد به تازگی با حلق باز طوری‌که ناقلوسی‌اش را از کشور چین مشاهده کرده‌اند، گریه کرده و پا به زمین کوبیده و از این پهپادهای شاهد ۱۳۶ ایرانی خواسته و این اطرافیانش عرضه نداشته‌اند یکی مثل آن درست کنند که خوش‌قیمت هم دربیاید. حالا درست است این دونالد ناخن‌خشک و خسیس است و جانش درمی‌آید ۲ دلار خرج آرایشگاه من کند ولی خب به نظر من، هرچه پول صرف کار غیر از خرید لباس و کفش و آرایشگاه شود غیرضروری و خرج اضافه است.

سرتان را درد نیاورم بی‌زحمت محرمانه طوری که کسی نفهمد یک دانه از این شاهدهای ۱۳۶ را از این ایرانی‌ها بگیرید و برای من بفرستید.

شنیده‌ام این پهپاد انتحاری است که ۳ و نیم متر طول دارد و ۲۰۰ کیلو وزن و با سرعت ۱۸۵ کیلومتر می‌تواند ۲۰۰۰ کیلومتر برد داشته باشد. به نظرم چیز بدی نیست برای خفه کردن صدای دونالد جانم.

البته همین که هنر این پهپاد غافلگیری است، خیلی خوب است چون من خیلی دوست دارم دونالد را سورپرایز کنم. به نظرم ترکیب «انتحاری و غافلگیری» سورپرایز خیلی خوبی از آب در می‌آید بلکه هم مثل اسرائیل که با غافلگیری حمله این پهپادها در جنگ با ایران، گیج و منگ شد و گنبد آهنینش ترکید، این کله زرد من هم آدم شود و دست از سر کچل مردم دنیا بردارد.

شنیده‌ام این پهپاد شاهد ۱۳۶ به عنوان یکی از سلاح‌های «تغییردهنده معادلات» در جنگ‌های مدرن شناخته می‌شود. این پهپاد با ترکیب هزینه بسیار پایین (حدود ۲۰ هزار دلار)، برد بلند (تا ۲۵۰۰ کیلومتر) و قابلیت حمل کلاهک‌های مؤثر، نوع جدیدی از تهدیدات نامتقارن را رقم زده است. توانایی آن در نفوذ به سامانه‌های پدافندی پیشرفته و هدف‌گیری زیرساخت‌های حیاتی به صورت انبوه، آن را به ابزاری استراتژیک تبدیل کرده است.

امیدوارم بتواند روی معادلات زن و شوهری من و ترامپ هم اثر بگذارد به طوری که سنگینی کیف من منهای سنگینی جیب دونالد مساوی شود با حذف دونالد و تساوی‌اش با صفر و من بتوانم یک نفس راحت بکشم.

با تشکر، ملانیا

کلّه زردنبوست، دارد ژاژخایی می‌کند
کِرم از این فرد است، دارد جنگ‌زایی می‌کند
یک سلاح نو درون سوله‌ها پنهان شده
ناو را همچون تفاله قعر چایی می‌کند

جواد قره‌محمدی

یک عده خوش‌باور در آن‌ور آب
در لحظه بیداری و در لحظه خواب
گفتند که شاهزاده ما داده
یک وعده چرب و چیلی و سیخ کباب

مرضیه ملکیان

ماه رمضان آمد و تحریم شکم شد
از وزن اضافی بدن البته کم شد
تا ظهر فشاری نرسد بر بدن خلق
از ظهر به بعد است شکم مرکز غم شد

محمد خوش‌آمدی

زینب علیمرادی

قضیه سوسن

بیا که تُرکِ فلک خوان روزه غارت کرد
هلال عید به دور قدح اشارت کرد
ثواب روزه و حج قبول آن کس بُرد
که خاک میکده عشق را زیارت کرد

ای صاحب فال!

یکبار در عمرت آمدی فال بگیری که ببینی بالاخره به سوسن می‌رسی یا نه. اما الان سوسن موسن را بریز دور.

بیا که چیز مهم‌تری از سوسن هست که باید به تو بگویم. ۲ بیت برایت آورده‌ام دسته گل.

ببین ای صاحب فال!

تو جوانی هستی زرنگ، شوخ طبع، شجاع ولی...

صفات خوبت که آفرین دارد؛ یعنی حقت است خواجه دست کند توی جیب مبارکش و بهت نخودچی کشمش بدهد.

نترس ولی را الان می‌گویم، ولی...

ببین ای جوان، ماه رمضان از راه رسیده.

سال‌های قبل در منزل تا خرخره می‌خوردی بعد هم در خیابان فلافل می‌زدی تو رگ و پاکت پاکت سیگار بهمن دود می‌کردی هوا، اما دیگر بیا در ماه رمضان امسال غارتگری خوراکی‌ها را ترک کن.

شیطان هم که در غل و زنجیر است، پس دیگر نمی‌توانی ان‌قلت بیاوری او گولت زد.

از آن طفل بی‌حال روزه‌دار همسایه که برای افطار یک کاسه آش رشته آورد ولی تو به آن هم رحم نکردی یاد بگیر، نصف توست.

تا چشم روی هم بگذاری، ماه شوال می‌رسد و هلال ماه از آسمان برایت دست تکان داده و با اشاره تو را به ستاره‌ها نشان می‌دهد.

اگر از خواجه می‌پرسی، یک زیارت برو. در آنجا از غلط‌هایی که کردی توبه کن و دیگر هر سال روزه‌هایت را بگیر.

توبه‌هایت مورد قبول درگاه خداوند قرار می‌گیرد، ان‌شاءالله.

اصلا خدا را چه دیدی، او که مثل ما نیست به تو نخودچی کشمش بدهد، آمدیم و یک سفر حج داد.

بدان و آگاه باش به خداوندی خدا اگر به حرف‌هایی که زده‌ام اهمیت ندهی و صد بار دیگر بخواهی فال بگیری تا قضیه سوسن را بگویم، نمی‌گویم!

فریبا رئیسی

آخر پاییز

گسترش داده دوباره توی دنیا دام را
مثل اینکه سفت کرده جای هر دو گام را
توی خوابش شب‌به‌شب پرت‌وپلاها دیده است
در توهم‌ها شنیده واژه will come را
می‌کشد بر هیکل آن گاوهای شیرده
بعد دوشیدن از آنها، پشت هم دشنام را
از عراق و سوریه، لبنان و غزه برده است
رنگ هر آرامش و هر لحظه آرام را
از کاراکاس و کی‌یف برده است گاز و نفت را
تا نماید گرم با دزدی اجاق شام را
می‌خورد از آخور و از توبره همراه هم
تا به لفت و لیس‌ها بیند دم خاخام را
در سیاه‌بازی خدای روسیاهان زمین
کرده حتی روسفید ابلیس خون‌آشام را
خوک و کفتار و سگ و گرگند با هم توی شور
دور خود آورده هم درنده هم احشام را
گفته که «خواهیم دید آخر چه خواهد شد»
ببین آخر پاییز وضع جوجه و فرجام را
در خلیج خوک‌ها دوری بزن با خوک‌ها
تا بفهمی مزه آن حمله ناکام را
می‌کنی تهدید شیر بیشه این مرز را
دست‌کم گویا گرفتی امت اسلام را
گیلک و کرد و لر و ترک و بلوچ و ارمنی
در برآوردت نیاوردی تو این اقوام را
«ناو دشمن» گور خود را گم کن از اطراف ما
از خلیج‌فارس، یانکی بشنو این پیغام را
آب دریا خاک گور ناوگانت می‌شود
چون خلیج‌فارس مدفون می‌کند اوهام را
غرق می‌گردد چنان فرعون در دریای نیل
می‌برد گرداب در کام خود این بدنام را

سوده پاکاری

پیج اینستاگرام چی‌فروشی

پی‌نوشت: این پست تا اطلاع ثانوی در هدر پیج ثابت می‌ماند.

با درود بیکران به روان پاک همه آنهایی که دیگر بین ما نیستند...

ما در روزهای پایانی دی‌ماه، چنان داغدیده بودیم که قلم از نوشتن و دست از تایپ کردن بازماند. با قلبی شکسته و چشمانی اشکبار اعلام کردیم که فعالیت خود را به احترام مردم تعطیل می‌کنیم. راستش را بخواهید، آنقدر منقلب بودیم که حتی نتونستیم استوری حراج آخر هفته‌مان را هم آپلود کنیم.

اما این روزها که گذشت، با خود اندیشیدیم: مگر ما چه کردیم جز اینکه خواستیم اندکی از بار غم مردم بکاهیم؟ مگر خرید کردن، آن هم با تخفیف ویژه و با نیت خیر برای خانواده‌های داغدار، کار ناپسندی است؟ آیا گذاشتن حراج کار بدی است؟

خلاصه که بعد از چند روز سکوت مطلق و البته چک کردن مرتب دایرکت‌ها و ثبت سفارش از آن، به این نتیجه رسیدیم که مردم به پست و استوری و ریلز ما نیاز دارند. راستش بعضی از مشتری‌ها پیام دادند که «فلانی، تو که تو استوری می‌زنی تعطیلیم، پس اون کتی که دیروز واسم نگه داشتی چی شد؟»، «تخفیف آخر فصل ندارید؟»، «کارهای عید رو کی میارید؟» دیدیم نه بابا، اینطوری نمی‌شود.

ما از امروز فعالیت خودمان را با قلبی شکسته‌تر اما امیدوار از سر گرفتیم. اما برای اینکه کسی خیال نکند ما بی‌احساسیم، تصمیم گرفتیم بالای هر استوری‌مان یک متن سنگین بگذاریم: «بی‌نهایت متاثریم»، «دلمان با داغداران است»، «در این روزهای سخت، عید برای‌مان معنا ندارد». حالا با همین حال و هوا، این چند کاپشن و بوت را برای‌تان گذاشتم که اگر خواستید، یک نگاهی بیندازید. قیمت‌ها را هم چنان کشیدیم پایین که آدم دلش می‌سوزد. واقعاً داریم با ضرر می‌فروشیم و بی‌نهایت از این بابت متاثریم، به جان خودم که داغونیم.

با کشور عاشق حسینی
با ملت پیرو خمینی
سرشاخ نشو که کله‌پایی
ای مردک خوار اِپستینی!

آمنه آل‌اسحاق

کاریکاتور: مهسا موسوی

گمشده

قاضی پرونده‌های اپستین گم شده. این پرونده‌ها که خودشان پیش‌تر گمانده شده بودند، حالا افشا شده‌اند. اکنون قاضی‌ای که بخواهد به آن رسیدگی کند گم شده.

از یابنده تقاضا می‌شود یک قاضی پیدا کند و به او اطمینان بدهد که در صورت رسیدگی به این پرونده هیچ اتفاقی برایش نمی‌افتد؛ مثلا اتفاقی در استخر غرق نخواهد شد.

نیازمندی‌ها

به مناسبت فرارسیدن ماه رمضان پذیرای انواع زخم‌ها هستم.
معده یک روزه نگیر

به تعدادی مشتری عزادار جهت خرید شب عید نیازمندیم.
انجمن صنفی فروشندگان عزادار چک کشیده

به تعدادی ساندویچ بیات برای پخش در تجمع هواداران شاهزاده پهلوی نیازمندیم.

فروشی
یک عدد شیشه ضدگلوله
فقط یه بار شاهزاده رفته پشتش دست تکون داده
لطفا این‌بار فقط فرد مهم تماس بگیره

ذهن مخاطب را به ما بسپارید
فروش فوری شوینده‌های اسیدی
با قابلیت پاکسازی لکه‌های ننگین وسیع
تخفیف ویژه برای مجرمان پرونده اپستین

عرضه انواع سفیدکننده نانو
جهت پاک کردن روسیاهی اپستین
«انجمن دانشمندان پیرو خط استیو هاوکینگ»

ضمیمه طنز راه راه کاری از باشگاه طنز و کاریکاتور انقلاب اسلامی

دبیر سرویس نثر: **فاطمه بوجار**
دبیر سرویس شعر: **فریبا رئیسی**
دبیر سرویس کارتون: **ثمین سلیمانی نژاد**
صفحه‌آرا: **فاطمه احمدی**

راه‌های ارتباطی
مجموعه رسانه‌های
باشگاه طنز و کاریکاتور انقلاب اسلامی
https://zil.ink/bashgahtanz